

## حاجی محمد حسینخان نظام الدوله اصفهانی صدر اعظم ایران

در کتابخانه آستان قدس رضوی قرآنی هست بشماره (۳۵۸) وبمشخصات

ذیل :

خط نسخ خوش، کاتب نامعلوم، تحریر قرن دوازدهم هجری، دو صفحه  
افتتاح تمام تذهیب و دارای سرلوح زیبا، سرسوره‌ها مذهب واسامی سوربخط  
رقاع باشگرف وزمینہ طلاپوش .

کاغذ حنایی اصفهانی باجدول و کمند ، نشانها ترنجی ، فواصل آیات  
زرنشان ، هر صفحه ۱۷ سطر . اندازه جدول ۱۰ × ۵ سانتیمتر ، ۲۴۵ ورق  
بقطع ۱۳/۳ × ۸ سانتیمتر .

جلد روغنی دورو ، بیرون باترنج و گوشه وحاشیه وزمینہ زرد، مزین  
به گل و برگ زریں بطرح اسلیمی ، درون جلد زمینہ گلی و منقش به گل و برگ  
زریں .

وقفی خدیجه سلطان خانم بنت عبدالجسین خان بن حاج محمد حسینخان  
صدر اصفهانی «نظام الدوله» درجمادی الاخره سال ۱۲۹۶ هجری .

درآغاز چهار صفحه وقفنامه است بخط رقع خوش ، مورخ ۱۲۹۶ و  
نوزده صفحه شرح احوال و آثار خیر نظام الدوله حاج محمد حسینخان صدراعظم  
اصفهانی متوفی در صفر ۱۲۳۹ هجری بخط شکسته نستعلیق خوش از حیدر  
علیخان بن نظام الدوله مزبور درجمادی الاخره سال ۱۲۹۶ هجری بشرح ذیل:

بسمه تبارک و تعالی

شهد الله انه لا اله الا هو والملئكة واولو العلم قائماً بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم،

اقل عباد، راقم این کلمات، خدمت صاحبان بصیرت و نیکمردان نیک سیرت و سریرت عرضه میدارد. که چون باقی داشتن نام کرام و صاحبان خیرات از جمله مبرات. و اخبار آثار خیر کریمان روزگار را موجب مسرات است. و در صدر کلام از صدر جنت مقام، جدایی واقفه خیره، و والدمرحوم مبرور این حقیر نام برده شده. مناسب نمود که سطر ی چند که متضمن شطری از حالت وسعت صدر و جلالت قدر آن جواد مبرور مسطور آید، که از برکات این کلام الله المجید که نیز از بقایای خیر اوست. ماندن اسم و اثری از آن مرحوم مغفور دور نباشد:

هو صدر الصدور، و بدر البدور. ذوالقدر الافخم. والاجود الاکرم، **الحاج محمد حسین خان الاصفهانی الصدر الاعظم** که روزگاری است که از هیچیک از اساطین زمان، بل سلاطین دوران بقدری که امور خیر از و صدور یافت، بظهور نرسیده و کمتر گواهی شنیده. این مرد بزرگوار از بدو دولت سلطان مبرور **آقا محمد خان قاجار** در اصفهان نشو و نمایافته، و تا آخر دولت سلطان السلاطین و خاقان الخواقین **فتحعلی شاه قاجار** بهره قدر که بایست در ترقی و از هر ناشایست در توقی بود، و روز بروز ظهور کمال و بروز جلالتش افزود، تا امارت کل ایران کرد، و عمارت هر ویران، و بدرجات و مناصب علیه و القاب بهیمة مستوفی الممالک و امین الدوله و نظام الدوله و وزارت کبری و صدارت عظمی علی الترتیب بر رسید. هر زمینی از مرمتش آباد شد. و هر غمی از همش شاد، از فرط کرم دینار و دردم نگذاشت و اسمی از صاحبان کرم، قصه حاتم طی کرد، و حرف جود معنی با وجودش چون حرف زائده بی معنی و فائده شد. چنانچه بیقین در چند روز بوفات و روز یقین مانده در یکروز خوارها از جنس قماش و امتعه مرغوبه که به قیمت معادل سی هزار تومان بعموم مردم بیخشید، و بخشش صدوپانصد هزارش از هزار بگذشت. و امثال این اخبار در تواریخ العهد معهود و به ثبت مشهود است. گویا درین عالم خاکی این شعر که

الدر والدری خافا حوده فتحصنا بالبحر والافلاک

دری است که در مدح اوسفته و حقی است که در حق او گفته اند، در هر امری اختیار داشت مگر در بذل و انعام و فضل و اکرام. و تقویت شریعت مطهره سیدانام علیه افضل الصلوة والسلام که بی اختیار کوشش و اهتمام میکرد، و در تحصیل ثبوبات آخرت بسی مفاخرت داشت، و آثار خیر بسی در روزگار گذاشت، که بزرگان روزگار، و امراء نامدار را امثال آن آثار مقدور و میسر نگشت. از

جمله بنای مبارک قلعه متبرکه نجف اشرف علی مشرفها آلف التحیه والتحف است که باهتمام همتش از اصل با تمام رسید و موجب آسایش سکنه و آرایش امکانه گردید و زوار و مشاهدین آن مشهد منور را مشهود و مصورست که هر برجی از آن با درجی برابر، و هر کنگره اش در رتبه از آسمان برتر، و قطعی است که در وقت شروع در آن بنا آب این دریا هنوز کشیده و با بنطور نزدیک نبوده، و خیال عمارتی اگر چه زدن خشتی بود، خشت بردی زدن مینمود، ارباب بصیرت و انصاف دانند که در چنین وقت اقدام با تمام چنین بنایی و آنگاه در ملک دور و خارج چقدر مخارج می خواهد و با این حال چقدر وسعت صدر و نفاذ امر و شوکت و جلال و بذل مال، و این مرمت را چه قدر علوه مت، و اگر چه بحمد الله و منته تمام از آجر و گچ با تمام رسیده، اگر از خشت و گل بود. با خشت زروسیم مقابل می شد و مرحوم آقا محمد شاعر اصفهانی المتخلص به طلعت بابسی جایزه و خلعت این رباعی را تاریخ اتمام آن مبارک بنا گفته :

این قلعه که حکمش ز سما تا سمک است

بر گرد نجف که سجده گاه ملک است

چون گشت تمام، گفت طلعت تاریخ

دیک برج ز قلعه نجف نه فلك است،

(۱۲۲۶)

و همچنین بنای اصل و اساس روضه و صحن و قبه و بارگاه گردون کریاس فلك مماس حضرت عباس علیه السلام من خالق الناس. که بخرج های بی قیاس بی شرکت ثانی بانی شده، و نیز در اعقاب عالیه. از آثار و ابنیه متوالیه متعالیه. از جمله مضمون لها ثمانیه ابواب هشت درب بزرگ عالی عالی مفوض و مرضض است از سبیکه نقره خام باشکوهی تمام، هفت درروضات منوره از نجف و کربلائی معلی و روضه حضرت عباس و کاظمین علیهما السلام و یکی در روضه متبرکه حضرت معصومه در قم. و آثار دیگر از رباطات و بقاع خیر و پلها و آب انبارها و - سقاخانه ها و مدارس و تکایا. که سه باب مدرسه در دارالسلطنه اصفهان دریا قلعه و فتح آباد ورسته بازار. و تکیه دریا قلعه و مدرسه دیگر با سقاخانه در نجف اشرف در درب قلعه متبرکه واقع و مضجع آن مرحوم مشهور و معلوم است و سایر آثار در غالب بلاد و طرق و شوارع نه بقدری است که درین مختصر بگنجد، یا محاسب فهم بمیزان وهم بسنجد. و اگر بهر قنطره قنطاری، و بهر خشت دیواری

دیناری از طلا خرج بود، از همت آن مرحوم مبرور هیچ دور نمی‌مود .  
 و دیگر در بلوک علیای جرقویه من بلوکات اصفهان . دهات معتبره  
 و محلی چندست . بوقفی صدر مشهور که همه تاکنون که هشتاد سال از وقف  
 آن میگذرد . بحمدالله تعالی در نهایت آبادی است . ورعیت آنجاها در غایت  
 رعایت و آزادی . و منافع آن که هر سالی غالباً بقیمت عادلانه سه هزار تومان  
 است، بتوسط متولی وقف مزبور که تولیت آن درسلسله جلیله سادات اصفهانی  
 مدرس و متولی مدرسه چهارباغ صفوی سلطانی وساکن پاقلعه هستند، درروضات  
 مقدسه از نجف اشرف و کربلای معلی وروضه حضرت عباس و کاظمین علیهما السلام  
 و سرمن رای که لایصدق الامن رای بجهت قیمت آب مجاور و زائر و روشنایی  
 روضات بچراغهای موم، و مواجب و مرسوم، عمله و خدمه این امور مقرر و معلوم  
 است . و بجهت تمزیه داری جناب سیدالشهدا و دیگر ائمه هدی، و تلاوت کلام الله  
 در مدارس و تکایای اصفهان . و استکتاب کتب فقهیه و اطعام فقرا و تجهیز و تکفین  
 فقرا بر متولی، و کلیچه و سوخت زمستانی مساکین و عجزه . و پاپوش زوار پیاده  
 وجهی مشخص و آماده است . و مبلغ سیصد تومان مخصوص فقراء ارحام مقررست  
 و همه این مصارف تا اکنون که پنجاه و هفت سال از وفات واقف و هشتاد سال از  
 وقف میگذرد از حسن نیت آن مرحوم بحمدالله و فضله بباقیات صالحات در دوام  
 و ثبات است .

دیگر آثار دولتی از قبیل تخت طاوس تمام جواهر زواهر و صندلی  
 مرصع و درخت جواهر و جوهر تاجماه ، در خزینه جواهر پادشاهی است ،  
 و بقیمت غیرمناهی و ابنیه و عمارات سلطانی در اصفهان از قبیل چهار باغها و  
 بازارها و عمارت صدری در جنب چهل ستون . و مدرسه کوچک در پاقلعه و مدرسه  
 بزرگ بهشت آثار در رسته بازار که به مدرسه صدر معروف و به نزاهت موصوف  
 و عمارت سلیمانیه کرج و در سلطانیه و غیرها ، و اینهمه آثار خیر بی‌امداد و شرکت  
 غیراست . و بینندگان را همه تصدیق این مراتب مرقومه بتحقیق رسیده و آن  
 شخص بزرگوار الی یوم الاجل . و زیری اجل و امیری مبعجل بوده . و فاتش در  
 دار الخلافه طهران روی داد . در شهر صفر یک هزار و دویست و سی و نه . و شیخ شاعر  
 عرب بلندی قصیده‌یی در مرثیه آن مرحوم گفته که مصراع اخیرش که تاریخ  
 وفات است اینست : «الصدر فی الجنات حل مکرم» و دیگر شعرا و ادبایی مرثی  
 گفته‌اند . و یک شعر از قصیده‌یی که مرحوم میرزا سید سعید اردستانی گفته

و مضمون بدیع داشت. ثبت افتاد که بینندگان را قیاس باشد. که پس از وفات که مداحان راجایی و بهیچوجه انتظار و راجایی نیست. چگونه از سوزدل و تأسف و تلهف گفته. و در مضمون سفته اند :

بر فراتر تبتش مانند طفل بی پدر دست می ساید تمنا. اشک می بارد امید  
و نعش آن مرحوم را حسب الوصیه از راه قم بعد از طواف و استشراف بمرقد  
و ضریح منور حضرت معصومه علیها السلام باندک زمانی با جمعیت و چادر و پوش  
و چندین سریدک سیاه پوش. و حفاظ و قراء و تلاوت قرآن. در تخت روان آسوده  
روان به نجف اشرف روان و به اجمل الاطوار در آستان فایض الانوار امام فی الاصل  
و وصی النبی بلا فصل کرار عمر فرار صاحب ذوالفقار سلام الله علیه ما اختلف الليل  
والنهار. در مدرسه بی که از ابنیه خاصه خود آن مرحوم است. و در درب دروازه  
نجف واقع مدفون و بغفران آلهی مشحون گردید، و در آن مدرسه همه ساله  
الیوم هر شب جمعه طلاب آنجا را از خاصه وقف صدر اطعام میکنند، و  
همیشه اکرام.

سعیدیا مرد نکونام نمیرد هرگز

مرده آنست که نامش به نکویی نبرند  
و آن مرحوم را هشت پسر بود. اکبر و ارشد مرحوم میرور عبدالله خان  
امین الدوله والدین و مروج شریعت سید المرسلین و دیگر مرحوم جنت مکان  
عبدالحسین خان پدر بزرگوار صالحه مستوره واقفه مسطوره (= خدیجه سلطان  
خانم) که در روزگار خود صدر جلال و بحر کمال بوده اند، و فضایل و فواضل  
مشهوره مأثوره دارند. و در همه فنون علوم، خاصه حکمت طبیعیه. و خوشی  
خط شکسته و تعلیق بی عدیل بتحقیق. و چهار دیگر که همه در بزرگی متناهی و در  
جوار رحمت آلهی هستند. و دیگر مقرب الخاقان محمد ابراهیم خان  
ناظر الدوله خاقان منقور فتوح علی شاه قاجار، که بمصاهرت و مظاهرت پادشاهی  
مخصوص. و بکمال و ادب و حسن اخلاق و کرم منصوص. و تا حال هفتاد و پنج  
سال است که بحمد الله تعالی بعزت و اجلال در زندگی و حضرت ذی الجلال را  
در بندگی هستند. و دیگر احقرانام کوچکتر و چاکر بزرگتران. و سهای آن  
هفت برادران، بنده روسیاه در گاه اله الراجی من ربه اللطف الخفی و الجلی  
حیدر علی که راقم این حروف و بگمنامی معروف است. اللهم اغفر لی و  
لوالدی ولهم، بحق محمد و آله الطاهرین.

التماس از ارباب کرم وهمم. و خوانندگان این رقم اینکه بعد از تلاوت این کلام الله مبارك و فاتحه قربت بروح مطهر انبیا و اولیا و ائمه هدی و صلحا و شهدا، روح مرحوم صدر را و والدین واقفه را نیز از برکت این قرآن بفاتحه یاد و شاد دارند. و نیز این بنده روسیاه را راقم حروف که غریب و درخاک وحید است. بفاتحه و توحید منت گذارند. والسلام علیکم ورحمة الله.

بسی بگذرد بوی مشکین باد که از ما نیارد کسی هیچ یاد فی شهر جمادی الثانیه سنه ۱۲۹۶ء

(انتهی)

مرحوم رضاقلیخان هدایت در جلدنهم روضة الصفاى ناصرى

ترجمه اش را چنین بقلم آورده است :

«حاجی محمد حسینخان نظام الدوله اصفهانی از بدو کشورستانی خاقان شهید متدرجاً ترقی کرد. و در دولت خاقان صاحبقران کارش بالا گرفت، بحکومت کاشان و قم و اصفهان و منصب استیفای ممالک از اقران ممتاز شد. و بعد از رحلت وزیر بی نظیر میرزا محمد شفیع مرحوم بصدارت عظمی مخصوص گردید، در بذل و کرم از حاتم و معین زائده در گذشت در جود و سماحت و بر واحسان ثانی قان بود. چاکرانش صاحب دولت و ثروت شدند، و هر یک بحکومتی و خدمتی ممتاز آمدند در تربیت ایتام و اطفال و طلاب و تقویت علما و فضلا و سادات و عموم ارباب استحقاق دقیقه یی از دقایق بذل و جهد نامرعی نداشتی، در بدو حال امین الدوله پس از آن نظام الدوله از آن سپس به صدر اعظم ملقب شد، و فرزندش بشرف مصاهرت مفاخرت یافت و فی الواقع رتق و فتق عراق و فارس و یزد و قم و کاشان کلا خاصه او بود. و در تمام ممالک مجروسه خاقان مبسوط الید و مختار مطلق گشت شاهزادگان عظام بی استیذان او در امری دخالت نتوانستندی، با وجود این مقام بلندش بها در لباس غیر معروف بگردم محلات گشتی و به علما و فقرا و ایتام و وجوه نقد دادی، و التماس دعا کردی و عذرخواستی و همه ساله بجمعی از سادات صغیر و طلاب کبیر مرسومی معین و ملبوسی مزین بذل نمودی. در شرم حضور و حفظ الغیب کمال مروت و نهایت فتوت داشت و از بخشش یا نقد تومان و یک هزار تومان شرم میداشت، کارگرمش بجایی رسید که مردم نادان او را صاحب عمل اکسیر می شمر دند و خود اکسیر او زراعت و فلاحت بود، که در آن علم و عمل کمال فطانت و حدائق داشت تمام صاحب منصبان دربار شاهنشاهی از او مستمیری داشته اند. و هنگام سفر و

حضر بقدر امکان از نقد و جنس اخذ مینمودند، از یک هزار تومان بذل کردی و به منت نام نبردی، وقتی در سفر خراسان چند تن از تراکمه در فاضل آب مطبخش غریق شدند، و وفات یافتند، زیاده از یکصد هزار تومان بدفعات به نجف اشرف و عتبات فرستاده بمصارف اعمال خیر و تعمیرات آن مشاهده مقدمه رسانید، اگر آنچه از برو احسان آن صدر معظم استماع رفته و محقق آمده درین محل نگاشته شود، کار تحریر بدرازی کشد و از عهده بر نیایم، و بر او ظلم کرده باشم، اگر عمر وفا کند اندیشه تألیفی در حال اسخیا میرود. و تفصیل کرم های آن صدر بزرگوار در آن نامه مرقوم میشود. علی الجملة آن بزرگوار در سنه ۱۱۲۳۸ (۱) در دار السلطنه طهران در گذشت. رحمه الله. و فرزند اکبرش **عبدالله خان امین الدوله** بجای او مخصوص شد. از فرزندان مکرمش **ابراهیم خان ناظر** که داماد خاقان مغفور بود در دار السلطنه طهران میگذراند. و جناب **میرزا عبدالحسین خان** فرزند دیگرش که چندی در دولت خاقان صاحبقران حکومت سمنان و مدتی نظارت دیوان داشته اکنون در اصفهان است و بحسن اخلاق و حسن الخط و وفور فضل و حذاقت در علوم طب مشهور ایران و محسود اقران اللهم احفظه رحمه الله معشر الماضین»

**تذکره ثمر نایینی** نسخه شماره (۱۸۹۸) کتابخانه مجلس شورای ملی  
تألیف **میرزا سید حسین طباطبائی نایینی** متخلص به **ثمر** در ۱۲۳۴ هجری بنام نظام الدوله منبوت تألیف یافته و مشتمل است بر دو باب، باب اول در ذکر شعرائی که بامر نظام الدوله در رثاء سیدالشهدا (ع) شعر سروده اند، باب دوم در ذکر شعرائی که ویرا مدح گفته اند.

کتاب دیگری بنام **مدایح حسینیة یا امینیة یا تذکره باقی** در جلد دهم فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (ص ۱۸۶۸-۱۸۷۲) بشماره (۲۹۶۹) معرفی شده که تألیف **میرزا عبدالباقی اصفهانی** متخلص به **باقی** در سال ۱۲۲۲ و مشتمل است بر دو باب، باب اول در تاریخ روضات عرش درجات و ابنیه متبرکه (که بخیرج حاج محمد حسینخان ساخته شده) و باب دوم در احوال ستایشگران وی و اشعار ایشان.

ناگفته نماند که در مشهد مقدس رضوی مطلقا اثر خیری از نظام الدوله مغفور نیست.